



حفظ قرآن

حفظ قرآن، به معنی بحثی قرآنی - حدیثی درباره‌ی فراگیری و به خاطر سپردن قرآن است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنی لغوی حفظ
- ۲ - معنی اصطلاحی حفظ قرآن
- ۳ - اصطلاح حافظ قرآن
- ۴ - اولین معنی حافظ
- ۵ - اصطلاح جمع در علوم قرآنی
- ۶ - اهمیت و تأکید پیامبر به حفظ قرآن
 - ۶.۱ - عجله حضرت در حفظ قرآن
 - ۶.۲ - مقابله و تکرار محفوظات با جبرئیل
 - ۶.۳ - تشویق دیگران به حفظ قرآن
 - ۶.۴ - توصیه پیامبر به حضرت علی
- ۷ - شواهد دیگر بر تأکید حفظ قرآن از طرف پیامبر
 - ۷.۱ - تأسیس کانون تعلیم قرائت و حفظ
 - ۷.۲ - گوش دادن پیامبر به قرائت حافظان
- ۸ - تأثیر اهمیت حفظ قرآن بر مسلمانان
- ۹ - تعداد حافظان قرآن در زمان پیامبر
- ۱۰ - مدرسین قرآن در زمان پیامبر
- ۱۱ - برخی حافظان کل قرآن در زمان پیامبر
- ۱۲ - امر ورقه و ابن مسعود از حافظان زمان پیامبر
- ۱۳ - تقسیم حفظ قرآن بین صحابه
- ۱۴ - برتری داشتن حافظان قرآن در صدر اسلام
- ۱۵ - اثرات حفظ قرآن در روایات
 - ۱۵.۱ - حافظان برجستگان امت
 - ۱۵.۲ - دور شدن عذاب از حافظان
 - ۱۵.۳ - شفاعت حافظان در قیامت
 - ۱۵.۴ - حافظان هم ردیف فرشتگان
- ۱۶ - ضرورت عمل به قرآن و عواقب فراموشی آن
- ۱۷ - نظر علم‌الهدی درباره عواقب فراموشی قرآن
- ۱۸ - نظر سیوطی درباره وجوب حفظ و شیوه‌های حفظ قرآن
- ۱۹ - حفظ قرآن در دوران معاصر
- ۲۰ - کتاب‌هایی درباره معرفی و زندگی حافظان
- ۲۱ - فهرست منابع
- ۲۲ - پانویس
- ۲۳ - منابع

معنی لغوی حفظ

حفظ به معنای نگاهداری و **مراقبت** از چیزی و **غفلت** نوزیدن از آن، و در برابر کلمه فراموشی است.
[۱] خلیل‌بن احمد، کتاب العین، ذیل «حفظ»، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم ۱۴۰۹.
این واژه به معنای خویشندن‌داری و قدرت ضبط نفس، رعایت چیزی و غمخواری نیز آمده است.
[۲] حسین‌بن مجد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «حفظ»، چاپ مجد سیدکیلانی، تهران ۱۳۳۲ ش.

معنی اصطلاحی حفظ قرآن

در اصطلاح، حفظ قرآن یعنی یاد گرفتن و ازبر کردن قرآن کریم.
[۳] مجد بن مجد زبیدی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، ذیل «حفظ»، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.
در قرآن نیز حافظ (اسم فاعل حفظ در معنای نگاهدارنده) آمده است.
[۴] طارق/سوره ۸۶، آیه ۴.
[۵] حجر/سوره ۱۵، آیه ۹.
[۶] یوسف/سوره ۱۲، آیه ۶۴.
به این ترتیب، حافظ قرآن یعنی کسی که همه قرآن یا بخشی از آن را، با رعایت همه قواعد، از بر باشد.

می‌توان گفت اصطلاح حافظ قرآن از نیمه دوم قرن دوم در فرهنگ اسلامی رواج یافته است.

اولین معنی حافظ

اولین بار، واژه حافظ به معنای ازبرکننده قرآن، در روایتی که فضیل بن یسار از **امام صادق علیه‌السلام** نقل کرده، آمده است.
[۷] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۷.

اصطلاح جمع در علوم قرآنی

در تاریخ و علوم قرآنی، اصطلاح «جمع» به معنای گوناگون، از جمله حفظ قرآن در قلبها و سینهها، به کار رفته است.

[۸] مجد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، جزء ۱، ص ۴۹، ج ۱، جزء ۱، قاهره ۱۹۶۷/۱۳۸۷، چاپ افسس تهران ۱۳۶۴ ش.

عدهای از **اصحاب پیامبر اکرم**، قرآن را به این معنا جمع، یعنی حفظ کردند، لذا به آنها **جُمَاع** یا **حِقَاط** قرآن گفته‌اند.

[۹] ابن سعد، الطبقات الكبرى (بیروت)، ج ۲، ص ۳۵۳۲۵۸.

[۱۰] مجد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲۶-۳۲۷، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، جمال حمدی ذهبی، و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

حافظان قرآن به قُرَاء نیز نامبردار بوده‌اند.

[۱۱] مجد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲۶-۳۲۷، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، جمال حمدی ذهبی، و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

[۱۲] عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲۴، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افسس قم ۱۳۶۳ ش.

[۱۳] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۱۲، تهران ۱۳۶۲ ش.

به نظر ابن جزری

[۱۴] ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، ج ۱، ص ۶، چاپ علی مجد ضباع، مصر (۱۹۴۰)، چاپ افسس تهران (بی‌تا).

، اعتماد در نقل و روایت قرآن به سبب محفوظ بودن آن در سینهها بود. در دیدگاه ابن اثیر،

[۱۵] ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱، ص ۳۳، چاپ محمود مجد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۹۶۳/۱۳۸۳، چاپ افسس قم ۱۳۶۴ ش.

عبارت «اناجیلهم صدوهم» به این مطلب اشاره دارد، که سینههای امت اسلامی محل نگهداری آیات قرآن است. بدین‌سان، جمع قرآن به معنای حفظ آن، از زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شد و خود ایشان، به عنوان «سید حافظان»، تمام قرآن را ازبر داشت.

[۱۶] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۲، تهران ۱۳۶۲ ش.

اهمیت و تأکید پیامبر به حفظ قرآن

← عجله حضرت در حفظ قرآن

اهتمام پیامبر به حفظ قرآن به حدی بود که به استناد آیات شانزدهم و هفدهم **سوره قیامت** در این کار عجله می‌کرد و خدا او را مطمئن ساخت که قرآن را در سینه‌اش حفظ می‌کند.

← مقابله و تکرار محفوظات با جبرئیل

براساس روایتی،

[۱۷] ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۸۸، بیروت، دارصادر، (بی‌تا).

[۱۸] ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۶۲، بیروت، دارصادر، (بی‌تا).

[۱۹] ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۶۶، بیروت، دارصادر، (بی‌تا).

پیامبر اکرم هر سال در ماه **رمضان** قرآن را تا آنجا که نازل شده بود، براساس حافظه‌اش با **جبرئیل** مقابله و تکرار می‌کرد.

← تشویق دیگران به حفظ قرآن

پیامبر اسلام دیگران را نیز تشویق می‌کرد هرچه می‌توانند قرآن را بیش‌تر حفظ کنند

[۲۰] ابوعبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ج ۱، ص ۳۷۲۵، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۹.

و آنچه را حفظ کرده‌اند نزد او بخوانند تا ایشان درستی آن را تأیید کند.

[۲۱] مقدمتان فی علوم القرآن، چاپ آرتور جفری و عبدالله اسماعیل صاوی، ج ۱، ص ۲۳، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۳۹۲/۱۹۷۲.

[۲۲] مجد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، جزء ۱، ص ۳۹، ج ۱، جزء ۱، قاهره ۱۹۶۷/۱۳۸۷، چاپ افسس تهران ۱۳۶۴ ش.

← توصیه پیامبر به حضرت علی

بر مبنای روایتی دیگر، پیامبر اکرم به **علی علیه‌السلام** توصیه کرد، از خدا توفیق حفظ قرآن را بخواهد.

[۲۳] مجد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۶۴، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.

شواهد دیگر بر تأکید حفظ قرآن از طرف پیامبر

تأکید پیامبر اکرم بر حفظ قرآن شواهد دیگری نیز دارد.

← تأسیس کانون تعلیم قرائت و حفظ

از جمله ایجاد کانون تعلیم قرائت و حفظ و نظارت بر آن، به گونه‌ای که اگر فردی به مدینه هجرت می‌کرد، پیامبر او را نزد قاریان و حافظان می‌فرستاد و هرکس آنچه از قرآن می‌دانست، بر دیگری از حفظ می‌خواند.

← گوش دادن پیامبر به قرانت حافظان

پیامبر به قرانت حافظان قرآن گوش می‌کرد و این خود بیانگر اهتمام ایشان به موضوع حفظ قرآن بود. آن حضرت از **ابن مسعود** خواست که قرآن را بخواند و شنیدن آن را از زبان وی خوشایند دانست.

[۲۵] آرن‌ت‌یان ونسینک، مفتاح کنوز السنه، ج ۱، ص ۳۹۹، نقله الی اللغة العربیه مجدفؤاد عبدالباقی، (قاهره) ۱۴۰۴، چاپ افست قم (بی‌تا).
[۲۶] **آیین کعب** نیز از حافظانی بود که قرآن را نزد پیامبر قرانت کرد و پیامبر هم قرآن را برای او خواند.
[۲۶] ابن‌جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، ج ۱، ص ۲۱، چاپ برگشترسر، قاهره (بی‌تا).

تأثیر اهمیت حفظ قرآن بر مسلمانان

اهمیت حفظ قرآن در نظر پیامبر باعث شد **مسلمانان** صدر اسلام نیز به آن توجه ویژه‌ای پیدا کنند و در تقویت و افزایش حفظ قرآن بکوشند. حفظ قرآن برای آنان می‌توانست از جنبه‌های گوناگون مهم باشد، مثلاً، تلاش برای صیانت قرآن یا حفظ برای آن‌که آیات را در بین **نمازهای واجب** یا **مستحب** بخوانند.
[۲۷] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۴، تهران ۱۳۶۲ش.

تعداد حافظان قرآن در زمان پیامبر

در زمان حیات پیامبر اکرم، بیش از ده تن از صحابه تمام قرآن را از حفظ بودند.

[۲۸] عبدالرحمان بن اسماعیل ابوشامه، کتاب المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، ج ۱، ص ۲۸، چاپ طیار آلتی قولاج، بیروت ۱۹۷۵/۱۳۹۵.
سیوطی

[۲۹] عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی، ج ۱، ص ۲۴۴، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ مجدبوالفضل ابراهیم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ش.

[۳۰] عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی، ج ۱، ص ۲۴۹، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ مجدبوالفضل ابراهیم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ش.

سخن کسانی را که قاریان قرآن را در زمان پیامبر اکرم - که به نظر می‌رسد همان حافظان قرآن‌اند - چهار نفر دانسته‌اند،

[۳۱] مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۲۸، (چاپ مجد ذهنی افندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.

[۳۲] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۱۴-۱۹۱۵، چاپ مجدفؤاد عبدالباقی، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.

نادرست خوانده و از ۲۷ تن حافظ قرآن در آن زمان نام برده است. افزون بر این، حوادثی چون **پنرمعونه** (در سال چهارم هجرت)، که در آن هفتاد تن از قاریان و حافظان به **شهادت** رسیدند،

[۳۳] مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۱-۴۲، (چاپ مجد ذهنی افندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.

نشان‌دهنده فراوانی حافظان در زمان پیامبر است.

مدرسین قرآن در زمان پیامبر

برخی از آنان، نظیر **ابی بن کعب** یا **معاذبن جبل**، علاوه بر حفظ قرآن، به امر پیامبر اکرم تدریس قرآن هم می‌کردند.

[۳۴] عبدالرحمان بن اسماعیل ابوشامه، کتاب المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، ج ۱، ص ۲۶، چاپ طیار آلتی قولاج، بیروت ۱۹۷۵/۱۳۹۵.

برخی حافظان کل قرآن در زمان پیامبر

امام علی علیه‌السلام، **عبدالله بن مسعود**، **عبدالله بن عباس** و ابی بن کعب از جمله حافظان تمام قرآن بودند.

[۳۵] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۵۴، تهران ۱۳۶۲ش.

امّ ورقه و ابن‌مسعود از حافظان زمان پیامبر

ابن‌سعد

[۳۶] ابن‌سعد، الطبقات الکبری (بیروت)، ج ۸، ص ۴۵۷.

از زنی به نام امّ ورقه نام برده که در زمان پیامبر حافظ قرآن بوده است. ابن‌مسعود هفتاد سوره را از پیامبر اکرم و بقیه قرآن را از علی علیه‌السلام فراگرفت و حفظ کرد.

[۳۷] ابوعبدالله زنجانی، تاریخ القرآن، ج ۱، ص ۲۶، بیروت ۱۳۸۸/۱۹۶۹.

تقسیم حفظ قرآن بین صحابه

چون به خاطر سپردن قرآن برای همه آسان نبود و چنان‌که زرکشی

[۳۸] مجد بن بهادر زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۲۴، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشلی، جمال حمدی‌ذهبی، و ابراهیم عبدالله کردی، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۰.

گفته است، مقدور شدن حفظ قرآن برای مسلمانان از اسرار نزول تدریجی قرآن به شمار می‌رفت، شمار زیادی از صحابه بخش‌هایی از قرآن را در حافظه داشتند. به همین دلیل، برای جبران ناتوانی از حفظ تمام قرآن، حفظ آن در میان اصحاب تقسیم شد.

[۳۹] مجدعبدالحی بن عبدالکبیر کنانی، نظام الحکومه النبویه، ج ۲، ص ۲۹۲، المسمی الترتیب الاداریه، بیروت، دارالکتاب العربی، (بی‌تا).

مثلاً، زیدبن ثابت انصاری در نوجوانی هفده سوره قرآن را از حفظ داشت.

[۴۰] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۳۹، تهران ۱۳۶۲ش.

برتری داشتن حافظان قرآن در صدر اسلام

حفظ کل قرآن یا بخشی از آن، در صدر اسلام نوعی برتری و امتیاز به شمار می‌آمد. این امتیاز برای مثال باعث می‌شد فردی **امام جماعت** شود گرچه نوجوان باشد یا پس از جنگ **أُخِد**، شهدای حافظ قرآن، نزدیک‌تر به **حمره**، عموی پیامبر، دفن شدند.

[۴۱] محمود رامیار، تاریخ قرآن، ج ۱، ص ۲۳۱، تهران ۱۳۶۲ش.

اثرات حفظ قرآن در روایات

موضوع حفظ قرآن در روایات هم انعکاس یافته است.

← حافظان برجستگان امت

پیامبر اکرم حافظان قرآن را برجستگان امت اسلام معرفی کرده است.

← دور شدن عذاب از حافظان

طبق روایت دیگری از ایشان، خدا حافظ قرآن را از عذاب دور نگه خواهد داشت. [۴۳] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۸.

← شفاعت حافظان در قیامت

شفاعت آنان در مورد ده تن از اعضای خانواده‌شان که مستوجب **دوزخ‌اند**، پذیرفته خواهد شد. [۴۴] ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۱، ص ۷۸، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

← حافظان هم ردیف فرشتگان

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام، حافظ قرآن در صورت عامل بودن به آن، جایگاهی هم‌ردیف **فرشتگان الهی** دارد.

ضرورت عمل به قرآن و عواقب فراموشی آن

براساس حدیثی دیگر، امام ششم شیعیان، افزون بر حفظ قرآن، به ضرورت پابندی به حدود قرآنی تأکید کرده‌اند. [۴۵] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۹. در برخی روایات راجع به حفظ قرآن، از عقوبت فراموشی قرآن هم سخن رفته است. [۴۶] عبدالله بن عبدالرحمان دارمی، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۸۳۲، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱. [۴۷] علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۷.

نظر علم‌الهدی درباره عواقب فراموشی قرآن

اما به نظر علم‌الهدی، [۴۸] علی بن حسین علم‌الهدی، امالی السید المرتضی، ج ۱، جزء ۱، ص ۴، ج ۱، چاپ مجد بدرالدین نعسانی، قاهره ۱۳۲۵/۱۹۰۷، چاپ افسست قم ۱۴۰۳. برداشت افرادی چون ابوعبید قاسم بن سلام و ابن قتیبه در بحث فراموشی قرآن و کیف آن، نادرست است. به اعتقاد این متکلم شیعی، مقصود از عقوبت فراموشی در این‌گونه روایات، به مراتب کمال نرسیدن حافظ قرآن است.

نظر سیوطی درباره وجوب حفظ و شیوه‌های حفظ قرآن

سیوطی [۴۹] عبدالرحمان بن ابی‌بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۴۳، چاپ مجدبوالفضل ابراهیم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افسست قم ۱۳۶۳ ش. حفظ قرآن را **واجب کفایی** دانسته و به دو روش حفظ در زمان پیامبر اکرم اشاره کرده است، یکی شنیدن قرائت پیامبر و دیگری قرائت صحابه نزد ایشان. افزون بر این، اجازه پیامبر به صحابیان حافظ، که قرآن را به دیگران آموزش بدهند، نیز از راه‌های معمول حفظ در **صدر اسلام** به شمار آمده است. [۵۰] مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۹۱۲، (چاپ مجد ذهنی افندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱.

حفظ قرآن در دوران معاصر

پس از گسترش اسلام و انتشار نسخه‌های قرآن کریم در جهان اسلام، روش حفظ قرآن نیز تغییر کرد. **مسلمانان** در طول **تاریخ اسلام**، موضوع حفظ قرآن را مورد عنایت قرار داده‌اند. بسیاری از مسلمانان، تا روزگار معاصر، فرزندان خود را از سن کودکی به حفظ قرآن می‌گمارند و آنان را برای این منظور به مراکز **تعلیم و حفظ قرآن** می‌فرستند. تا دوران اخیر، حفظ قرآن مهم‌ترین وظیفه کودکان در سطوح اولیه تحصیلی در مصر بود. در آن زمان جامع‌الازهر و مدارس پیرامونی آن، حفظ کل قرآن را شرط ورودی قرار داده بودند (سعید، ص ۵۸-۵۹).

کتاب‌هایی درباره معرفی و زندگی حافظان

ذهبی نام بسیاری از حافظان قرآن را به صورت طبقه طبقه در کتاب معرفه القراء الکبار آورده است، همچنین مجد سالم مُحَسِّین نیز در معجم حَقَّاتِ الْقُرْآن عِبْرَتِ التَّارِخِ، از زندگی ده‌ها تن از حافظان و قاریان یاد کرده است.

فهرست منابع

- (۱) آرتیبیان ونسینک، مفتاح کنوز السنه، نقله الى اللغة العربية مجدفؤاد عبدالباقي، (قاهره) ۱۴۰۴، چاپ افسست قم (بی‌تا).
- (۲) ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود مجد طنحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۹۶۳، چاپ افسست قم ۱۳۶۴ ش.
- (۳) ابن جزری، غایه النهایه فی طبقات القراء، چاپ برگشترسر، قاهره (بی‌تا).
- (۴) ابن جزری، النشر فی القراءات العشر، چاپ علی مجد ضیاع، مصر (۱۹۴۰)، چاپ افسست تهران (بی‌تا).
- (۵) ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، (بی‌تا).

(۶) ابن سعد، الطبقات الكبرى (بيروت).

(۷) ابن ماجه، سنن ابن ماجه، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

(۸) ابن منظور.

(۹) عبدالرحمان بن اسماعيل ابوشامه، كتاب المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، چاپ طيار آلتى قولاج، بيروت ۱۳۹۵/۱۹۷۵.

(۱۰) مجد بن اسماعيل بخارى، صحيح البخارى، (چاپ مجد ذهنى افندى)، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

(۱۱) مجد بن عيسى ترمذى، سنن الترمذى، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

(۱۲) خليل بن احمد، كتاب العين، چاپ مهدى مخزومى و ابراهيم سامرانى، قم ۱۴۰۹.

(۱۳) عبدالله بن عبدالرحمان دارمى، سنن الدارمى، استانبول ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

(۱۴) حسين بن مجد راغب اصفهانى، المفردات فى غريب القرآن، چاپ مجد سيدكيلانى، تهران ۱۳۳۳ ش.

(۱۵) محمود راميار، تاريخ قرآن، تهران ۱۳۶۲ ش.

(۱۶) مجد بن مجد زبيدى، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ على شيرى، بيروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

(۱۷) مجد عبدالعظيم زرقانى، مناهل العرفان فى علوم القرآن، چاپ احمد شمس الدين، بيروت ۱۴۰۹/۱۹۸۸.

(۱۸) مجد بن بهادر زركشى، البرهان فى علوم القرآن، چاپ يوسف عبدالرحمان مرعشلى، جمال حمدى ذهبى، و ابراهيم عبدالله كردى، بيروت ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰.

(۱۹) ابوعبدالله زنجانى، تاريخ القرآن، بيروت ۱۳۸۸/ ۱۹۶۹.

(۲۰) عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، الاتقان فى علوم القرآن، چاپ مجد ابوالفضل ابراهيم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش.

(۲۱) على بن حسين علم الهدى، امالى السيد المرتضى، ج ۱، چاپ مجد بدرالدين نعلسانى، قاهره ۱۳۲۵/ ۱۹۰۷، چاپ افست قم ۱۴۰۲.

(۲۲) مجد بن احمد قرطبى، الجامع لاحكام القرآن، ج ۱، قاهره ۱۳۸۷/ ۱۹۶۷، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.

(۲۳) مجد عبدالحى بن عبدالكبير كنانى، نظام الحكومه النبويه، المسمى الترتيب الاداريه، بيروت، دارالكتاب العربى، (بى تا).

(۲۴) علامه مجلسى، بحار الانوار.

(۲۵) مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، چاپ مجد فؤاد عبدالباقي، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

(۲۶) مقدمتان فى علوم القرآن، چاپ آرتور جفرى و عبدالله اسماعيل صاوى، قاهره، مكتبه الخانجى، ۱۳۹۲/ ۱۹۷۲.

پانویس

۱. ↑ خليل بن احمد، كتاب العين، ذيل «حفظ»، چاپ مهدى مخزومى و ابراهيم سامرانى، قم ۱۴۰۹.

۲. ↑ حسين بن مجد راغب اصفهانى، المفردات فى غريب القرآن، ذيل «حفظ»، چاپ مجد سيدكيلانى، تهران ۱۳۳۳ ش.

۳. ↑ مجد بن مجد زبيدى، تاج العروس من جواهر القاموس، ذيل «حفظ»، چاپ على شيرى، بيروت ۱۴۱۴/ ۱۹۹۴.

۴. ↑ طارق/سوره ۸۶، آيه ۴.

۵. ↑ حجر/سوره ۱۵، آيه ۹.

۶. ↑ يوسف/سوره ۱۲، آيه ۴.

۷. ↑ علامه مجلسى، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۷.

۸. ↑ مجد بن احمد قرطبى، الجامع لاحكام القرآن، ج ۱، جزء ۱، ص ۴۹، ج ۱، جزء ۱، قاهره ۱۳۸۷/ ۱۹۶۷، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.

۹. ↑ ابن سعد، الطبقات الكبرى (بيروت)، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۸.

۱۰. ↑ مجد بن بهادر زركشى، البرهان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷، چاپ يوسف عبدالرحمان مرعشلى، جمال حمدى ذهبى، و ابراهيم عبدالله كردى، بيروت ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰.

۱۱. ↑ مجد بن بهادر زركشى، البرهان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۷، چاپ يوسف عبدالرحمان مرعشلى، جمال حمدى ذهبى، و ابراهيم عبدالله كردى، بيروت ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰.

۱۲. ↑ عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، الاتقان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۴۴، چاپ مجد ابوالفضل ابراهيم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش.

۱۳. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۱۲، تهران ۱۳۶۲ ش.

۱۴. ↑ ابن جزرى، النشر فى القراءات العشر، ج ۱، ص ۶، چاپ على مجد ضباغ، مصر (۱۹۴۰)، چاپ افست تهران (بى تا).

۱۵. ↑ ابن اثير، النهايه فى غريب الحديث و الاثر، ج ۱، ص ۲۲، چاپ محمود مجد طنحاحى و طاهر احمد زاوى، بيروت ۱۳۸۳/ ۱۹۶۲، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.

۱۶. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۲، تهران ۱۳۶۲ ش.

۱۷. ↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۸۸، بيروت، دارصادر، (بى تا).

۱۸. ↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۶۲، بيروت، دارصادر، (بى تا).

۱۹. ↑ ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۶۶، بيروت، دارصادر، (بى تا).

۲۰. ↑ ابوعبدالله زنجانى، تاريخ القرآن، ج ۱، ص ۲۷-۲۵، بيروت ۱۳۸۸/ ۱۹۶۹.

۲۱. ↑ مقدمتان فى علوم القرآن، چاپ آرتور جفرى و عبدالله اسماعيل صاوى، ج ۱، ص ۲۳، قاهره، مكتبه الخانجى، ۱۳۹۲/ ۱۹۷۲.

۲۲. ↑ مجد بن احمد قرطبى، الجامع لاحكام القرآن، ج ۱، جزء ۱، ص ۲۹، ج ۱، جزء ۱، قاهره ۱۳۸۷/ ۱۹۶۷، چاپ افست تهران ۱۳۶۴ ش.

۲۳. ↑ مجد بن عيسى ترمذى، سنن الترمذى، ج ۵، ص ۵۶۴، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

۲۴. ↑ مجد عبدالعظيم زرقانى، مناهل العرفان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۱، چاپ احمد شمس الدين، بيروت ۱۴۰۹/ ۱۹۸۸.

۲۵. ↑ آرن تيان ونسينك، مفتاح كنوز السنه، ج ۱، ص ۳۹۹، نقله الى اللغة العربيه مجد فؤاد عبدالباقي، (قاهره ۱۴۰۴)، چاپ افست قم (بى تا).

۲۶. ↑ ابن جزرى، غايه النهايه فى طبقات الفراء، ج ۱، ص ۳۱، چاپ برگشترسر، قاهره (بى تا).

۲۷. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳، تهران ۱۳۶۲ ش.

۲۸. ↑ عبدالرحمان بن اسماعيل ابوشامه، كتاب المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، ج ۱، ص ۲۸، چاپ طيار آلتى قولاج، بيروت ۱۳۹۵/ ۱۹۷۵.

۲۹. ↑ عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، ج ۱، ص ۲۴۴، الاتقان فى علوم القرآن، چاپ مجد ابوالفضل ابراهيم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش.

۳۰. ↑ عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، ج ۱، ص ۲۴۹، الاتقان فى علوم القرآن، چاپ مجد ابوالفضل ابراهيم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش.

۳۱. ↑ مجد بن اسماعيل بخارى، صحيح البخارى، ج ۴، ص ۲۲۸، (چاپ مجد ذهنى افندى)، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

۳۲. ↑ مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۱۴-۱۹۱۵، چاپ مجد فؤاد عبدالباقي، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

۳۳. ↑ مجد بن اسماعيل بخارى، صحيح البخارى، ج ۵، ص ۴۲-۴۱، (چاپ مجد ذهنى افندى)، استانبول ۱۴۰۱/ ۱۹۸۱.

۳۴. ↑ عبدالرحمان بن اسماعيل ابوشامه، كتاب المرشد الوجيز الى علوم تتعلق بالكتاب العزيز، ج ۱، ص ۲۶، چاپ طيار آلتى قولاج، بيروت ۱۳۹۵/ ۱۹۷۵.

۳۵. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۴۸، تهران ۱۳۶۲ ش.

۳۶. ↑ ابن سعد، الطبقات الكبرى (بيروت)، ج ۸، ص ۴۵۷.

۳۷. ↑ ابوعبدالله زنجانى، تاريخ القرآن، ج ۱، ص ۲۶، بيروت ۱۳۸۸/ ۱۹۶۹.

۳۸. ↑ مجد بن بهادر زركشى، البرهان فى علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳۶، چاپ يوسف عبدالرحمان مرعشلى، جمال حمدى ذهبى، و ابراهيم عبدالله كردى، بيروت ۱۴۱۰/ ۱۹۹۰.

۳۹. ↑ مجد عبدالحى بن عبدالكبير كنانى، نظام الحكومه النبويه، ج ۲، ص ۲۹۲، المسمى الترتيب الاداريه، بيروت، دارالكتاب العربى، (بى تا).

۴۰. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۳۹، تهران ۱۳۶۲ ش.

۴۱. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۳۱، تهران ۱۳۶۲ ش.

۴۲. ↑ محمود راميار، تاريخ قرآن، ج ۱، ص ۲۳۸، تهران ۱۳۶۲ ش.

۴۳. ↑ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۸.
۴۴. ↑ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۷۸، استانبول ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱.
۴۵. ↑ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۹.
۴۶. ↑ عبدالله بن عبدالرحمان دارمی، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۸۳۳، استانبول ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱.
۴۷. ↑ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۷.
۴۸. ↑ علی بن حسین علم الهدی، امالی السید المرتضی، ج ۱، جزء ۱، ص ۴، ج ۱، چاپ مجد بدرالدین نعلسانی، قاهره ۱۳۲۵ / ۱۹۰۷، چاپ افست قم ۱۴۰۳.
۴۹. ↑ عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۴۳، چاپ مجد ابوالفضل ابراهیم، (قاهره ۱۹۶۷)، چاپ افست قم ۱۳۶۳ ش.
۵۰. ↑ مجد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۹۱۲، (چاپ مجد ذهنی افندی)، استانبول ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱.

منابع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حفظ قرآن»، شماره ۶۳۱۹.